

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و روضه‌الانوار خواجه کرمانی

دکتر هاشم محمدی*

سودابه بخشایی**

چکیده

از میان مقلدان نظامی، ابتدا امیرخسرو دهلوی است که مطلع‌الانوار را سروده و پس از آن خواجه کرمانی روضه‌الانوار را به رشته تحریر در آورده است. این دو مثنوی اخلاقی - عرفانی که به پیروی از مخزن‌الاسرار سروده شده‌اند، هر چند در ساختار و محتوا شباهت‌ها و همانندی‌های قابل ملاحظه‌ای دارند، اما تمایزاتی نیز در بافت ادبی آنها به چشم می‌خورد. در این پژوهش به منظور آشنایی بیشتر با این دو منظومه و شناخت زیبایی‌ها و امتیازات هر کدام، به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی و وجوه افتراق آنها پرداخته شده است.

مهم‌ترین تفاوت‌های موجود در ساختار ادبی این دو اثر به شرح زیر است:

- ۱- از آنجا که خواجه تشبیهات و استعارات مورد استفاده را با دامنه‌ای وسیع و شیوه‌ای متفاوت بیان نموده، لذا تنوع و گسترش ابزار بیانی و صور خیال در روضه‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار می‌باشد.
- ۲- نوآوری و خلاقیت خواجه در کاربرد صنایع بدیعی معنوی، به ویژه ایهام تناسب، تناقض (پارادوکس)، تلمیح و تنسیق الصفات، سبب استواری و انسجام بافت ادبی روضه‌الانوار شده است.
- ۳- استفاده از تمثیل یا ارسال مثل در مطلع‌الانوار فهم اشعار این منظومه را آسان‌تر و دل‌نشین‌تر ساخته است.

واژه‌های کلیدی

مطلع‌الانوار، روضه‌الانوار، ابزار بیانی، صنایع بدیع معنوی

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، گچساران.

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی شهرستان گچساران.

مقدمه

مهارت نظامی در سرودن منظومه‌ها، سبب شد که سیل انبوهی از شاعران به پیروی از وی به سرودن آثار مشابه روی آورند. از میان مقلدان نظامی، ابتدا امیر خسرو دهلوی است که مطلع‌الانوار را به سال (۶۹۸ ق) در ۳۰۱۰ بیت سروده و پس از آن، خواجه‌ی کرمانی روضه‌الانوار را به سال (۷۴۳ ق) حدود ۲۰۲۰ بیت به رشته تحریر درآورده است.

این دو مثنوی عرفانی - اخلاقی، که به پیروی از مخزن الاسرار نظامی سروده شده‌اند در ساختار کلی، محتوا و موضوعات، از جهات گوناگون، با یکدیگر شباهت فراوانی دارند؛ از وجوه اشتراک آنها به طور خلاصه می‌توان گفت که هر دو مثنوی، بر وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن یا فاعلان (بحر سریع مسدس مطوی مکشوف یا موقوف) می‌باشد که همان وزن و بحر عروضی مخزن الاسرار است. این دو منظومه پس از ذکر مقدماتی در توحید و نعت پیامبر، دارای بیست مقاله هستند و هر مقاله نیز حکایتی مناسب را در پی دارد. هر دو شاعر به موضوعاتی چون: درجه آدمی، ترک دنیا و ما سوی الله، مذمت نفس و اندرز پادشاهان می‌پردازند و توجه آنها بیشتر به معارف عالی بشری و هدایت انسان به سوی توحید و رستگاری است.

در ساختار زبانی همچون ویژگی‌های آوایی، لغوی، نحوی و ساختار ادبی از قبیل ابزار بیانی و صنایع بدیع معنوی، نکات مشترک و مشابهی نیز وجود دارد که ذکر تک تک آنها از حوصله این گفتار خارج است، اما در بین همه این تشابهات، ویژگی‌های ادبی خاصی در این دو منظومه به کار رفته که باعث ایجاد تمایز بین آنها شده است؛ به عنوان مثال: در کاربرد برخی از انواع تشبیه و استعاره، ایهام تناسب، تناقض (پارادوکس)، تلمیح، تمثیل و موارد دیگری که به آنها اشاره خواهد شد، اختلافات چشم‌گیری (به لحاظ نوع و بسامد) دیده می‌شود که بررسی این اختلافات نه تنها ما را با این دو منظومه بیشتر آشنا می‌سازد بلکه، سبب شناخت امتیازات هر دو اثر نیز خواهد شد. به همین منظور با توجه به این که تاکنون هیچ مقایسه‌ای از این دیدگاه بین این دو منظومه صورت نگرفته است، در این پژوهش به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی و وجوه افتراق آنها در مثنوی‌های روضه‌الانوار و مطلع‌الانوار پرداخته می‌شود؛ بدین ترتیب که ابتدا ابزار بیانی، سپس صنایع بدیع معنوی و نحوه

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

کاربرد آنها در این دو مثنوی ذکر می‌گردد. کلیه ابیات ذکر شده در این نوشته از خمسه خواجهی کرمانی به تصحیح سعید نیاز کرمانی، چاپ اول (۱۳۷۰)، و خمسه امیر خسرو دهلوی، مقدمه و تصحیح امیراحمد اشرفی، چاپ اول (۱۳۶۲)، نقل شده است.

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیر خسرو دهلوی و روضة‌الانوار خواجهی کرمانی

الف) ابزار بیانی (مسائل علم بیان)

تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، ابزارهای خیال‌انگیزی هستند که مسائل علم بیان محسوب می‌شوند. «با علم بیان می‌توان والایی و استواری یا فرودستی و خامی آثار ادبی را سنجید، میزان نوآوری و تقلید را اندازه گرفت و کلاً به بسیاری از مسائل ادبی به صورت دقیقی پاسخ داد.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۷)

این عناصر خیال‌انگیز با دامنه‌ای بسیار وسیع در مطلع‌الانوار و روضة‌الانوار به کار رفته است، اما با بررسی و مطالعه اشعار این دو مثنوی، تفاوت‌هایی در کاربرد تشبیه و استعاره مشاهده می‌شود که به آنها اشاره می‌کنیم:

تشبیه

خواجه و امیر خسرو از انواع مختلف تشبیه از جمله: تشبیهات حسی، عقلی، مفرد، مرکب، بلیغ، تفضیل، مطلق و... استفاده کرده‌اند، اما تشبیهاتی همچون تشبیه ملفوف، تشبیه مفروق و تشبیه جمع در روضة‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار به کار رفته است؛ مثال:

تشبیه ملفوف

در این نوع تشبیه «چند مشبّه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شده، سپس مشبّه به‌های هر کدام گفته می‌شود. این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت لفّ و نشر است.» (همان: ۴۷)

بلبل و گل وامق و عذرا شده شاخ و سمن مهد و مسیحا شده

(روضه‌الانوار، ص ۱۶)

تشبیه بلبل به وامق، گل به عذرا، شاخ به مهد، سمن به مسیحا.
شام و سحر ظلمت و نور تواند جان و خرد روضه و حور تواند

(همان، ص ۲۷)

تشبیه شام به ظلمت، سحر به نور، جان به روضه و خرد به حور.
صبح که باشد که از او دم زنند؟ شام چه باشد که حدیثش کنند؟
مشرقی سرد جواهر فروش مغربسی تیره رخ درد نوش
(همان، ص ۴۷)

تشبیه صبح به مشرقی سرد جواهر فروش و شام به مغربی تیره رخ درد نوش. این تشبیه از نوع مفرد به مرگب است.

عقل و حیا جان و دل عالمند مشعله افروز ره آدمند
آن چه بود؟ مرهم آزار تو وین چه بود؟ شحنه بازار تو
(همان، ص ۵۸)

در بیت اول: تشبیه عقل به جان؛ حیا به دل عالم و در بیت دوم: تشبیه عقل به مرهم آزار تو؛ حیا به شحنه بازار تو.

عقل در این مرحله دانی که چیست؟ شرم در این مرحله دانی که چیست؟
آن قمر برج جلال آمده وین گهر درج کمال آمده
آن بودت در شب تاری دلیل وین شودت از ره یاری سیل
(همان، ص ۵۹)

این نوع تشبیه در مطلع‌الانوار فقط یک بار به کار رفته است:

بند و گشاد و گل و غنچه به سیم همچو دل مدخل و دست کریم
(مطلع‌الانوار: ص ۳۶)

تشبیه باز بودن گل به دست کریم و بسته بودن غنچه به دل مدخل. این نوع تشبیه مبتنی بر صنعت لفا و نشر مشوش است.

تشبیه مفروق

«در این نوع تشبیه چند مشبه و مشبه‌به داریم و هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است.» (همان: ۴۸)

خواجو:

طرف چمن بین چو بهشت برین برگ سمن بین چو رخ حور عین
(روضه‌الانوار، ص ۸۷)

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

دستگم بین چو کف صوفیان	قامت من چون الف کوفیان
(همان، ص ۵۴)	
هست خرد، رهبر راه صواب	هست حیا، دیو خطا را شهاب
(همان، ص ۶۱)	
عشق، بهشت است و روان حور او	مهر، چراغ است و جهان نور او
(همان، ص ۴۴)	
ما همه برجیم و سخن، آفتاب	ما همه در جیم و سخن، لعل ناب
(همان، ص ۱۹)	
ترک، زه طاقیه شاهی است	درک، مه خرگه آگاهی است
(همان، ص ۸۹)	
روضه معنی است بهشت و تو حور	عالم صورت ظلمات و تو نور
(همان، ص ۲۵)	
اشک روان، لاله خود روی ماست	مرغ زبان، بلبل خوش گوی ماست
دیده ما حقه گوهر فروش	منطق ما طوطی شکر فروش
سینه ما مخزن اسرار اوست	دیده ما روضه انوار اوست
(همان، ص ۴۰)	
امیر خسرو:	
نرخ سخن کرد نشاید به مال	زانک سخن، جان بود و زر سفال
(مطلع‌الانوار، ص ۵۲)	
در مصراع دوم تشبیه سخن به جان و زر به سفال.	
پیکری از کوب محن چول خیال	قامتی از سلخ فلک چون هلال
(همان، ص ۷۴)	
نکعت گیسو چو نسیم سحر	رنگ بنا گوش چو نسیم تر
(همان، ص ۱۱۹)	

تشبیه جمع

«برای یک مشبه، چند مشبه به می‌آورند» (همان)؛ مثال:

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

چهره خواجه که ز عالم بری است کان زر و کارگاه زرگری است
(روضه‌الانوار، ص ۸۶)

تشبیه چهره خواجه به کان زر و کارگاه زرگری.

در مقاله دوازدهم، در بیان عقل و حیا(شرم)، صص ۵۸-۶۰، مشبّه‌به‌های متعددی برای هر کدام عنوان شده است که ذکر همه آنها امکان پذیر نیست، به عنوان مثال برای عقل بیش از ۳۰ مشبّه‌به که اغلب به صورت مرکب می‌باشند، در تشبیه به کار رفته و برای شرم نیز بیش از بیست مورد مشبّه‌به ذکر شده است؛ در این جا فقط چند مورد را به عنوان شاهد نقل می‌کنیم:

خواجه:

عقل نگر گلشن دل را نهال	چشمه حیوان روان را زلال
ناصرایات هدایت شده	شارح آیات عنایت شده
رایحه روضه روحانیان	واسطه حکمت یونانیان
لاله رخ پرده نشین دماغ	غنچه نمای گل پیروز باغ
قند فروش شکرستان جان	و آینه طوطی خوش خوان جان
موبد آتشکده هفت شاه	پیر عبادتگاه شش خانقاه

(همان، صص ۵۹-۶۰)

و در تشبیه شرم چنین آمده است:

شرم ببین، ماه خطا را نقاب	چشمه خورشید هوا را سحاب
پردگی پرده مستان چشم	توبه ده باده پرستان چشم
صف شکن قلب مناهی شده	رافزن خیل ملاحی شده
محتسب کوی ملامت شده	نایب سلطان سلامت شده

(همان، ص ۶۰)

در ابیات ذکر شده، نوعی تشخیص یا جان بخشی نیز به کار رفته است.

امیر خسرو:

صف سپاه تو به روز مصاف	هم سد اسکندر و هم کوه قاف
------------------------	---------------------------

(مطلع‌الانوار، ص ۲۷)

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

صورت که دندان‌ه کشد در فغان ارّه دل باشد و سـوهان جان
(همان، ص ۵۲)

شه که نه بر تخت به تمکین بود شیر نمود، روبه پشـمین بود
(همان، ص ۱۰۰)

سوخـت ز تو مادر فـرتوت پیر آن که بهشت تو شد و جوی شیر
(همان، ص ۸۷)

تشبیهات خواجو که بیشتر از نوع مرکب هستند، به شیوه‌ای خاص بیان شده است، گاهی چند تشبیه را - که غالباً اضافات تشبیهی هستند - با تلمیح و تناسب در هم گره زده و به صورت شبکه‌ای از آرایه‌های ادبی در یک بیت عنوان می‌کند؛

مثال:

دهد جان، مرغ سیلمان او طوطی دل، بلبل دستان او
(روضه‌الانوار، ص ۲)

در نعت پیامبر آورده است:

حلقه زن درگه مهرش هلال هندوی گیسوی سیاهش بالال
همه کش مطبخ فضلش خلیل مرغ حریم حرمش جبرئیل
گوهر جان، طرف کمر بند او طوطی دل، صید شکر خند او
عـترت او نـیره بـرج شـرع درّ حدیثش گهر درج شرع
مهچـه خرگـاه جـمال تو مهر حلقه درگاه جلالـت سپهر

(همان، ص ۶)
دودکش مطبخ جودت سپهر شمسه ایوان رفیع تو مهر

(همان، ص ۹)

این گونه تشبیهات در روضه‌الانوار کاربرد فراوان دارد از جمله صفحه ۶ ابیات ۱۰۳، ۱۱۰، ص ۷، ابیات ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱، ص ۹ بیت ۱۵۷، ص ۱۰، ابیات ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱، ص ۲۳، بیت ۴۶۳، ص ۲۷ بیت ۵۵۰، ص ۹۵، بیت ۱۹۸۳، ص ۶۰-۵۹، ابیات ۱۲۰۴، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۱، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳ و...

در مطلع‌الانوار درصد این نوع تشبیهات قابل توجه نمی‌باشد.

استعاره

استعاره نیز همچون تشبیه در هر دو مثنوی کاربرد فراوان دارد، با این تفاوت که استعاره مصرّحه مجرّده در روضه‌الانوار بیشتر به کار رفته است؛

استعاره مصرّحه مجرّده

فرمول آن: «مشبّه به + ملائمت(صفات) مشبّه» (همان: ۵۸)؛ مثال:

خواجو:

خسرو مشرق چو علم برکشید باده لعل از قـدح زر کشید

(روضه‌الانوار، ص ۱۴)

خسرو مشرق استعاره از خورشید، خسرو: مشبّه‌به، مشرق: محل طلوع خورشید که از ملائمت مشبّه (خورشید) است. باده لعل نیز استعاره از شفق است که به رنگ قرمز است.

گنبد شش روزن پیروزه خشت گشته دل افروز چو باغ بهشت

(همان)

مصرع اول، استعاره از آسمان است. گنبد: مشبّه‌به، شش روزن (شش جهت) و رنگ پیروزه‌ای از ملائمت آسمان (مشبّه) است.

خاک در این مرتع خاکی میبـرز دانه در این مزرع خاکی مریـز

(همان، ص ۳۳)

در این بیت مرتع خاکی و مزرع خاکی، هر دو استعاره از زمین (این دنیا) یا دنیای خاکی است.

مرتع و مزرع مشبّه‌به و خاکی از ملائمت زمین است.

استعارات متعدد دیگری به همین گونه در روضه‌الانوار به کار رفته است که پاره‌ای از

آنها را به صورت خلاصه ذکر می‌کنیم:

می‌زد و از دیده گهر فشاند (ص ۵۴)، گهر استعاره از اشک (مشبّه‌به)، دیده از ملائمت

اشک (مشبّه) است.

استعاره برای آسمان یا فلک:

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

چنبر پیروزه، پرده پیروزه (ص ۵)، هفت خم لاجورد (ص ۲۵)، خطه نه گوی (ص ۲۳)
چرخ معلق (ص ۴۸)، باغچه چنبری (ص ۲۳)، جوسق نیلی (ص ۴۶)....
استعاره برای زمین یا به طور کلی (دنیای خاکی):
صحن مطبق، فرش مطبق (ص ۴۸)، مرکز خاکی (ص ۶۴)، رامگه شش در (ص ۲۷).....
امیر خسرو:

خلوتی شـرق برآمد ز دور بر کتف انداخت مصـلای نور

(مطلع‌الانوار، ص ۳۵)

خلوتی شرق: استعاره از خورشید، خلوتی (مشبه‌به)، خورشید (مشبه) شرق و نور از
ملائمات خورشید و طلوع آن.

کیست که از این دایره لاجورد دستگهی یافت که پا گم نکرد

(همان، ص ۸۳)

دایره لاجورد استعاره از آسمان؛ دایره (مشبه‌به)، لاجورد از ملائمات یا رنگ
آسمان (مشبه).

در حکایت پیر صاحب‌نظر و جوان تعبیه‌گر آمده است:

سرو خرامنده چو بگذشت مست مستی او توبه صوفی شکست

(همان، ص ۱۲۲)

سرو خرامنده: استعاره از جوان تعبیه‌گر؛ سرو (مشبه‌به)، خرامنده و مستی از صفات
مشبه (جوان)

ب) صنایع بدیع معنوی

هر دو شاعر از صنایعی چون تضاد، جمع، التفات، حسن تعلیل، تلمیح، و تناسب و... به
نسبت فراوان استفاده کرده‌اند. تلمیحات آنها بیشتر اشاره به آیات قرآن، احادیث، داستان‌های
قرآنی، مذهبی و تاریخی است و پاره‌ای از آیات و احادیث در هر دو منظومه مشترک هستند،
اما خواجه علاوه بر این تلمیحات، به داستان‌ها و شخصیت‌های اساطیری، همچون
جمشید (جم) فریدون، ضحاک، رستم، زال، سیاوش و داستان‌های شیرین و فرهاد، ویس و

رامین نیز اشاره کرده است. وی آرایه‌های ایهام تناسب، تناقض، تنسیق الصفات را نیز بیشتر از امیر خسرو به کار برده است که نمونه‌هایی از آنها نقل می‌کنیم.

تلمیح

قصه فرهاد ز شیرین بی‌رس حسن رخ ویسه ز رامین بی‌رس
(روضه‌الانوار، ص ۹۲)

قطب فلک قدر کواکب حشم آصف جم، جام فریدون علم
(همان، ص ۹)

رمح تو گشت ارقم ضحاک سوز خشم تو شد آتش افلاک سوز
(همان، ص ۱۰)

خاتم جمشید (صص ۳ و ۴۹)، سیاوش، پیران، گنج فریدون (ص ۶۵)، ملکت جمشیدی (ص ۶۲)، جام جم (ص ۳۲)، شیرین و فرهاد، شاپور و شب‌دیز (ص ۳۳)، وامق و عذرا (صص ۱۶ و ۵۵)، گشتاسب، دستان، سام، بیژن، تهمتن، پورنریمان، رهام، فرامرز تهمتن (ص ۶۲).

ایهام تناسب

خواجو در مواضع مختلف با اصطلاحات رایج در شطرنج، اصطلاحات موسیقی و لغات و ترکیبات دیگر، ایهام تناسب ساخته است؛
در نعت پیامبر (ص) گفته است:
شاه فلک پیش رخت گشت مات چشمه حیوان شده آب از حیات
(روضه‌الانوار، ص ۷)

ایهام در واژه‌های: شاه، رخ، مات. شاه فلک، استعاره از خورشید، رخ: چهره پیامبر (ص)، مات: تیره. شاه، رخ و مات از اصطلاحات شطرنج نیز هستند و با هم تناسب دارند، اما مفهوم اول بیشتر مورد نظر شاعر است.

گرچه شود رخ به معاصی سیاه لیک بر این عرصه چه فرزین چه شاه
(همان، ص ۷۵)

ایهام در واژه رخ (چهره). رخ، فرزین، شاه نیز با هم تناسب دارند.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

آه دل سوخته ساز من است راه نهند حجاز من است

(همان، ص ۲۹) در ابیات بالا ایهام در واژه‌های نهند و حجاز است؛ نهند نام شهری است در استان همدان و حجاز نیز سرزمین حجاز(مکه) است، ساز، راه، نهند و حجاز از اصطلاحات رایج در موسیقی(ر.ک: حدادی، ۱۳۷۶) هستند که با هم تناسب دارند.

چون فلک از راه حجازم براند دور مخالف به عراقم رساند

(همان، ص ۷۵)

در این بیت نیز ایهام در واژه‌های حجاز، مخالف و عراق است که در معنای موسیقی تناسب دارند.

ساخته‌ام ساز مخالف بسی چند زنم راه دل هر کسی

(همان، ص ۵۳)

ایهام در ساز مخالف: هم به معنی مخالفت کردن است و هم با ساز و راه، تناسب دارد.

گرچه شکار آمده‌ای باز گرد همدم مرغان جهان باز گرد

(همان، ص ۵۵)

ایهام در «بازگرد»: در مصراع اول از طرفی به معنی فعل «بازگشتن» و از طرفی دیگر نیز با کلمه شکار و مرغان، می‌تواند به معنی باز(پرنده شکاری) و «گرد» فعل گشتن یا شدن باشد. اگر به معنی پرنده شکاری باشد با «بازگرد» در مصراع دوم، جناس تام است.

امیر خسرو:

هر چه کس الفخته به بازو کند طعمه شاهین ترازو کند

(مطلع‌الانوار، ص ۱۰۶)

ایهام در شاهین و تناسب با طعمه و ترازو:

از یک سو شاهین به معنی زبانه ترازو است و از سویی دیگر، نام پرنده شکاری است که با طعمه و شکار نیز تناسب دارد.

مطالعات انجام شده در باره خواجه و امیر خسرو حاکی از آن است که هر دو شاعر با موسیقی علمی و عملی کاملاً آشنا و مسلط بوده‌اند. به ویژه امیر خسرو که مخترع انواع آهنگها، آوازه‌ها و آلات موسیقی به خصوص موسیقی ایرانی - هندی بوده و به عنوان یک موسیقی دان به بالاترین مقام دست یافته بود(ر.ک: سالاری: ۱۳۸۰؛ صباح‌الدین، بی‌تا؛ نشریه نامه پارسی،

شماره ۴). اما با این حال امیر خسرو برخلاف خواجو، اصطلاحات موسیقی را در مطلع‌الانوار بسیار کمتر به کار برده است. فقط در صنعت تناسب یا مراعات‌النظیر به صورت (مطرب، زخمه، پرده، ص ۳۸).

تناقض (پارادوکس)

تعریف: «تناقض در لغت یعنی ضدّ و نقیض بودن، مخالف بودن چیزی با چیزی و در کلام آن است که قسمتی قسمت دیگر را باطل کند» (ر.ک: عمید، ۱۳۶۰، ذیل تناقض).
شفیعی کدکنی پارادوکس یا بیان نقیضی یا تصویر پارادوکسی را از نمونه‌های نوآیین و خلاق تضاد دانسته و می‌گوید: «پارادوکس را باید در حوزه تضاد به شمار آورد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰۸)

خواجو:

فامورانند و ز نام ایمنند	جرعه چشانند و ز جام ایمنند
راه نوردان شکسته قدم	راز گشایان فرو بسته دم
(روضه‌الانوار، ص ۲۲)	
دیده نه و کون و مکان در نظر	بال نه و ملک جهان زیر پر
(همان، ص ۲۳)	
یافتنم جمله ز گم کردن است	شادیم از غایت غم خوردن است
(همان، ص ۷۵)	
لب بگشا ای دل و دم بسته‌دار	برگ سفر ساز و قدم بسته‌دار
(همان، ص ۷۲)	

باده پرستند و ز می بی‌خبر (ص ۲۲)، دست نه و دامن گردون به دست (ص ۲۲)، جمله خموشان حکایت سرای (ص ۲۳)، بی‌خبر و با خبر از هر چه هست (ص ۲۳)، تیز پر و بی‌اثر از بال و پر (ص ۲۳)، بوده ز می بی‌خود و ناخورده می (ص ۲۳) جای تو جایی است که آن جای نیست (ص ۲۷)، بالای پست (ص ۲۹)، مهر فلک کین و نشاطش غم است (ص ۳۴)، این همه داریم و نداریم هیچ (ص ۴۰)، حاصل ما حاصل بی‌حاصلیست (ص ۴۴)، شادی غم نوش و ز غم شاد باش (ص ۶۵)، نیستی ما همه از هستی است (ص ۷۴)، دامن دل گیر و پی دل مرو (ص ۹۳)، ...

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

امیر خسرو:

من به چنین تیره شب تابناک	رخت برون بردم از ایوان خاک
شد به مکانی که مکانی نداشت	وز خودی خویش نشانی نداشت
چشم کز و مرد میی هست امید	نور سیه دارد و ظلمت سپید
فتنه محابای بلایی نکرد	کرد خطایی و خطایی نکرد

(مطلع‌الانوار، ص ۳۳)
(همان، ص ۲۱)
(همان، ص ۸۱)
(همان، ص ۱۰۳)

در دو بیت آخر، تناقض در مصراع دوم است.

تنسيق الصفات

این صنعت نیز در روضة‌الانوار کاربرد فراوانی دارد و صفات اغلب به صورت مرکب

هستند؛

خواجو در مدح سلطان شمس‌الدین محمود صاین آورده است:

مهدی دجال کش فتنه‌سوز	هرمز کسری فر کشور فروروز
خضر سکندر در موسی بنیان	حاتم حیدر دل خسرو نشان
شیر پلنگ افکن شمشیر گیر	صفدر لشکرشکن شیرگیر

(روضه‌الانوار، ص ۹)

پیر قلندر صفت باده نوش	صوفی صافی پشمینه پوش
------------------------	----------------------

(همان، ص ۷۷)

کاین فلک زرکش زربفت پوش (ص ۳۶)، لاله آتش رخ دل سوخته (ص ۲)، طایر زرین
پر سیمین قفس، گنبد شش روزن پیروزه خشت (ص ۱۴)، مردم دریا دل روشن گهر (ص ۷۰)،
طوطی خوش نغمه دستان سرای (ص ۲۰)، بلبل شوریده فریاد خوان (ص ۴۶)، کاین صدف پر
گهر نیلگون (ص ۵۵)، پیر خرد پرور دانسته کار (ص ۹۱)، نرگس مشکین نفس خوش
نظر (ص ۸۷)، صبح سحرخیز ملمع لباس (ص ۸۶)...

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

امیر خسرو:

- زیبن تن روزی خور عصیان گرای دور کن اندیشه کفران نمای
(ص ۱۷)
- پیر درون دیده بیرون شناس صرفه نگه داشت سخن را به پاس
(ص ۶۹)
- مرد سیاستگر شمشیر گیر مانند در آن حال تحیر پذیر
(ص ۸۹)
- تنگ‌دل و ظالم و افسوس خوار (ص ۹۳)، مرد درون تیره بیرون سلیم (ص ۱۱۴)، زان ازلی
مکتب امی لقب (ص ۱۸).

از جمله صناعات معنوی که در مطلع‌الانوار بیشتر از روضه‌الانوار به کار رفته و سبب
ایجاد اختلاف در این دو مثنوی گردیده است، تمثیل یا ارسال مثل و صنعت تجرید است.

تمثیل (ارسال مثل)

سبک امیر خسرو، آمیخته از سبک عراقی و هندی است و یکی از ویژگی‌های سبک
هندی نیز استفاده از مثل یا تمثیل در شعر است؛ «بدین گونه که شاعر در یک مصراع، مطلب
معقولی را آورده و در مصراع دیگر جهت تأکید و ایضاح مطلب با تمثیل آن را محسوس
می‌کند» (ر.ک: شمیسا، ب ۱۳۷۹: ۲۸۷)؛ مثال:

- سوز به دلهای مشوش بود دود به جایی است که آتش بود
(مطلع‌الانوار، ص ۱۱۲)
- طالب زر دان ز درون بی‌قرار در شکم مادر بود پای مار
(همان، ص ۷۰)
- مردمی از مردمیت لازم است عود که بویش نبود همزم است
(همان، ص ۸۱)
- مرد زند از خلفان بانگ کوس تاج خروس است ز خون خروس
بی‌خردان را ز نجیبان چه ناز خر چه کند با شتر پا دراز
(همان، ص ۸۵)

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

نتیجه

با توجه به بررسی و مقایسه‌ای که در ویژگی‌های ادبی مطلع‌الانوار و روضة‌الانوار صورت گرفته است، می‌توان گفت که: تنوع و گسترش آرایه‌های ادبی در روضة‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار است. در میان مسائل علم بیان، تشبیه و استعاره در اشعار خواجه کاربرد فراوانی دارد، وی انواع مختلف تشبیه را با دامنه‌ای وسیع و با شیوه‌ای متفاوت به کار برده است؛ خواجه تشبیهات را با آرایه‌های دیگر در آمیخته و همه را در یک بیت عنوان می‌کند به گونه‌ای که آن بیت ۳ تا ۴ تشبیه را در بر می‌گیرد. و یا تشبیه را با صنعت لَفّ و نشر همراه ساخته و تشبیه ملفوف می‌سازد، اما تشبیهات امیر خسرو، محدودتر و ساده‌تر به کار رفته‌اند.

همچنین نوآوری و خلاقیت خواجه در استفاده از برخی صنایع بدیعی معنوی، به ویژه ایهام تناسب، تناقض یا پارادوکس، تنسیق‌الصّفات و پاره‌ای از تلمیحات، سبب استواری و استحکام ساختار ادبی روضة‌الانوار شده است، که خود می‌تواند از امتیازات این منظومه در مقابل مطلع‌الانوار باشد.

اما از طرفی نیز استفاده از تمثیل یا ارسال مثل در مطلع‌الانوار، نه تنها سبب ایجاد اختلاف در شیوه شعری و سبک امیر خسرو شده است، بلکه کاربرد فراوان این صنعت، فهم اشعار وی را آسان‌تر و دلنشین‌تر نیز ساخته است.

شایان ذکر است که هر چند ارزش‌های ادبی روضة‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار است اما این گفته بدان معنا نیست که مطلع‌الانوار فاقد ارزش‌های ادبی است بلکه این منظومه فقط نسبت به روضة‌الانوار سنجیده شده است، نه با آثار مشابه دیگر.

منابع و مأخذ

- ۱- جوزی، مصطفی، «بررسی اصطلاحات موسیقی در دیوان خواجه‌ی کرمانی» دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره سوم، ۱۳۸۳.
- ۲- حدادی، نصرالله. فرهنگ نامه موسیقی ایران. تهران: نشر توتیا، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۳- خواجه‌ی کرمانی. خمسه خواجه‌ی کرمانی. تصحیح سعید نیاز کرمانی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۴- دهلوی، امیر خسرو. خمسه امیر خسرو دهلوی. مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی. تهران: انتشارات شقایق، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۵- سالاری، «امیر خسرو دهلوی و سازهای هندی - آریایی»، نشریه هنر موسیقی، ۱۳۸۰.
- ۶- شمیسا، سیروس. الف) بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوسی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۷- شمیسا، سیروس. ب) سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات فردوسی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۸- صباح‌الدین عبدالرحمن (آکادمی شبلی)، بی تا، «ستایش زادگاه در آثار امیر خسرو»، ترجمه محمدمنصور عاصمی، نشریه‌نامه پارسی، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۷۹.
- ۹- عمید، حسن. فرهنگ عمید. (دوره دو جلدی)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
- ۱۰- گل‌سرخ، ایرج، «موسیقی و افسانه در آثار خواجه و تطبیق آن با شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی»، نخلبند شعرا (مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی)، جلد دوم، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: مؤسسه نشر هما، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.